

در نخستین گام حرکت

همه کوشش خود را بکار خواهیم گرفت تا نشریه به جای برخورد شعاری به بررسی شعوری مسائل و موضوعات بپردازد و دست در دست خوانندگان در جهت دستیابی به حقیقت گام بردارد. روشنفکران ترکمن بسان کنیه جویندگان حقیقت با پیروی از اهداف نیک و انسانی، با پیروی از آزادی و آزادمنشی، توش و توان خود را صرف میکنند. طبیعی است که در اینراه اختلافاتی نیز پیش آید اما باکی نیست، چرا که تفاوت سلیقه و اختلاف عقیده از ویژگیهای انسانهای حقیقت جوست. در نبرد اندیشه هاست که راه حصول حقیقت هموارتر میگردد و کسب آن سهل تر. و در عین حال روحیه جستجوگری فزونتر میگردد. این جستجوگری محور مشترکی است که نیروهای حقیقت جو را بهم نزدیک و متحد میسازد، و دارای ارزشی مانا و والاست.

بقیه در صفحه ۲

اکنون نخستین شماره نشریه ایل گویچی بعنوان نشریه مشترک پیش روی شماست. این نشریه محصول همفکری و همکاری و همگامی بی غل و غش دست اندرکاران نشریات تازه بول و ایل گویچی است.

ما با کوله باری از تجارب متنوع، دست بدست هم دادیم، افکار و اندیشه هایمان را بروی هم ریختیم، به بحث و جدل پرداختیم، آنجا که نیاز به تفکر و بحث و بررسی عمیقتر بود، اصرار به توافق اجباری نکردیم، و آنجا که توانستیم به توافق دست یابستیم و توافقات را بعنوان دستمایه حرکت جدیدمان تاکید کردیم، به زحمات نا کثون کشیده شده خود و دیگران خط بطلان نکشیدیم، بلکه آنها را پشتوانه نتیجه امروز ارزیابی نمودیم، نتیجه ای که بعنوان نشریه مشترک در دستهای شما قرار دارد.

مشی نشریه

استقلال، آزادی، دموکراسی و علینیت مشی عمومی نشریه را تشکیل میدهد. استقلال از دو وجه برای ما حائز اهمیت ویژه است. یکی از وجه دفاع از هویت و حقوق ملی مرمکنگی خلق ترکمن و دیگری، دفاع از استقلال اندیشه و تفکر و رد هر نوع وابستگی فکری، سیاسی، عقیدتی و غیره.

ما بر این باوریم که پذیرش آزادی، دموکراسی و علینیت در نظر کافی نیست. همه تلاش خود را بکار خواهیم گرفت که در عمل نیز بایبندی خود را بدان نشان دهیم. سعی خواهیم کرد نشریه به میدان رقابت های سالم فکری- سیاسی و ثمر بخش تبدیل گردد تلاش خواهیم کرد که اخبار و رویدادهای مختلف، خاصه مسائل مربوط به ملت ترکمن و ترکمنصحرا را بیطرفانه در نشریه منعکس سازیم و در معرفی آگاهی و نظاوت خوانندگان قرار دهیم.

در صفحات دیگر

مفاهیم و دیدگاهها

چماقی "علینیت و دموکراسی"

نشریه "تازه بول"

اخبار و اطلاعاتی پیرامون

کنفرانس ((عشق آباد))

فرهنگ آنتونیمهای ترکمنی

روایاتی درباره کل باخشی

پیش به سوی کنفرانس سراسری

در نخستین گام حرکت

خطوط
امسیدواریم که نشریه در اعلام شده فوق بیکی از امکانات زنده و بالفعل جهت انعکاس نظرات و مسائل فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فراروید. طبیعا این خواست بخودی خود تحقق نسخواهد یافت، از یکسو به تلاش دست اندرکاران نشریه و از سوی دیگر به چگونگی برخورد شما، دوستان خواننده و علاتمندان نشریه بستگی دارد. به هر میزان که شما با نشریه فعالیت برخورد نمائید، بهمان میزان به شوق فعالیت دست اندرکاران و بهبود کیفیت نشریه خواهید افزود. از همینرو در نخستین گام حرکت خود، مخلصانه از شما عزیزان طلب میکنیم که از همکاری و همفکری، یاری و مدد، ارسال خبر و نظر، طرح و عکس، مقاله و ترجمه، تحقیق و بررسی، داستان و شعر و... دریغ نورزید.

ایل گویجی نشریه همه شماست. با کمکهای مالی و معنوی نشریه خود را پررنگ و غنی سازید.

مفاهیم و دیدگاهها

سلطه امپریالیزم عمدنا بصورت شوونیزم و حتی نژاد پرستی بروز میکند. نمونه بارز این شوونیزم را در دوره رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی شاهد بوده و هستیم.

ناسیونالیسم هم می تواند دست آویزی برای خشک اندیشی های برتری جویانه و ناچیز شمردن فرهنگ های دیگر شود و هم انگیزه پویایی فرهنگ ها و اعتماد به نفس مردم گردد و آنها را برانگیزاند تا بکوشند که امور خود را خود بدست گیرند. هر ناسیونالیسی کمابیش از آرزوهای حسرت بارنسبت به عظمت های گذشته دور و نزدیک و امیدهای خوش بینانه به تجدید این عظمت ها انباشته است.

هر ناسیونالیسمی، آشکار یا پنهان بر بسیج عواطف و پیش داوریهای یک ملت علیه دشمن یا دشمنان آن تکیه دارد، دشمنانی که مسئول ناکامی های ملت دانسته میشوند. هر ناسیونالیسمی بر اعتقاد به تمایز و نه دشمنی یک ملت با ملت های دیگر مبتنی است و برخی ناسیونالیسم بر برتری یک ملت بر ملت دیگر استوارند، ولی نژادپرستی همیشه از عناصر ناسیونالیسم نیست.

ادامه دارد

فرهنگ اتنوتیم های ترکمنی

پرداختند. (تومانوویچ، ۱۹۳۶، صفحه ۱۸۹)

یکی از اولین کسانی که اهمیت عاجل جمع آوری اتنوتیم های ترکمن ها را درک کرد و آثار زیادی نیز در این عرصه به چاپ رساند، دانشمند و نژاد شناس نابغه کبی، کارپف بود. (تخلص ترکمنی وی خوجه کلدی بختیارفا است). در آغاز قرن بیستم میلادی، او به جمع آوری مطالب راجع به اصل و نسب قبایل و طوایف ترکمن پرداخت و در سال ۱۹۲۵ نخستین کتاب خود بنام "ترکیب قبایل و طوایف ترکمن ها" را به چاپ رساند. پس از آن وی دهها مقاله که به تحقیقات نژادی طوایف ترکمن آلیلی، یموت، اولام، سالتیر، سارثق، ترکمن های خیمه حسن خان و غیره اختصاص داشت، به چاپ رساند. کارپف آثار زیادی در خصوص اصل و نسب خلق ترکمن چون "نعرست طوایف ترکمن ها"، "ترکمنستان و ترکمن ها"، "رسالات تاریخی - نژاد شناسی"، "ترکمن ها - اوغوز ها"، "مطالبی پیرامون اصل و نسب خلق ترکمن"، و غیره به نشر در آورد.

کارپف در نتیجه تلاشهای پر زحمت چندین ساله خویش بر روی نژادهای خلق ترکمن و گروههای قبیلله ای طایفه ای آن، کتاب "ترکیب نژادی ترکمن ها" را نوشت که در سال ۱۹۴۲ تز نامزدی علوم او گردید. در این کتاب تجربه مشاهدات و تحقیقات وی بر روی اصل و نسب، تقسیمات قبیلله ای طایفه ای و اسکان تقریبا همه طوایف بزرگ ترکمن جمع بندی گردیده است. ما در تهیه فرهنگ فوق از آثار کارپف و آرشیو دست نویس های او که در حال حاضر در کتابخانه علمی مرکزی آکادمی علوم ترکمنستان شوروی نگه داری میشوند، استفاده کردیم.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، برخی از مناطق ترکمنستان شوروی و طوایف جداگانه مورد تحقیق نژادشناسی قرار گرفتند. نتیجه همه این کارها در مقالات و کتب متعددی چاپ گردیده اند که در آنان توجه لازم نسبت به نامگذاری نژادها معطوف گردیده است. بدین ترتیب، در امر جمع آوری و نشر عناوین قبیلله ای طایفه ای خلق ترکمن کار کمی صورت

نپذیرفته است. اما علیرغم آن، به امر تهیه اتنوتیم های ترکمن ها حداقل بر مبنای الفبای

بقیه در صفحه ۱۰

مفاهیم و دیدگاه‌ها

الف - ایلی

روزگار خویش، روشنگر زوایای ابهام پدید شده و واژه‌هایی باشد که تا دیروز تصاویری تحریف شده و یک بعدی از آنان ارائه میکردید.

انتشار دهها و دهها کتاب و نشریات از سوی جریان‌ها، احزاب، محافل و شخصیت‌های مختلف با ایدئولوژی‌ها و زوایای فکری متفاوت، حاکی از تلاش این دیدگاه‌های ناهمگون در پی جویی و اثبات اساسات و اصول حاکم بر جامعه بشری به زعم خویش و به همان اعتبار، ارائه برداشت‌های خود از مقولات و پدیده‌ها و مفاهیمی است که الزاما برای بقای حیات خویش بـمـوازات با زندگی می‌بایست روح نوین در آنان دمیده شود.

در مقیاس فراگیرترین تلاش‌ها، عناصر وابسته به اقلیت‌های ملی از سعم و منزلت ویژه ای به لحاظ تعدد مسائل و اجبار تسلیح به برداشت‌های نوین در جهان تحول زای معاصر به منظور یافتن توانین و قواعد نحوه رشد و انتخاب چگونگی تدویم گام‌های آتی ملت خویش برخوردار هستند. تلاش‌ها و تاملاتی که امروز در عرصه بازننگری و بازبینی آن چیزی که در گذشته بنام تامين سعادت و بهروزی خلق صورت می‌پذیرفت، نشانگر ضروریات نوین زندگی برای یافتن پاسخ‌هایی است که بدون آنان نمی‌توان به آگاهی و بیداری ملی و تحقق حقوق ملی و انسانی مساعدت نمود. مفاهیم و واژه‌هایی چون فرهنگ ملی، هویت ملی، آگاهی ملی، ستم ملی، ناسیونالیسم، شوونیسم، خودمختاری، فدراتیسم، ست و مسبت، استقلال، دموکراسی و... از زمره اصلاحاتی هستند که تا به امروز بازناب‌گر تمایلات و دیدگاه‌های متفاوتی در شرایط زمانی گوناگون بوده‌اند. پرداخت و پژوهش در این موارد از جنبه‌های مهم شیوه‌های نگرش دیدگاه‌های مختلف در قالب جریان‌ها و افراد گوناگون بشمار می‌آید. این بحث و فحش‌ها در سطح جریان‌های سیاسی و بخصوص مسبت‌های کشورمان در عین حائز بودن و شاخص‌های برجسته تدوین

درمیان ملل و فرهنگ‌هایی که پژوهشگری و دانش تاریخی هنوز پایه و مایه استواری نیافته و تاریخ و تحولات گذشته در محک صحت و نادرستی تحلیل‌ها و بررسی‌های عینی قرار نگرفته‌اند، قلم بدستان متعدد برپایه بازننگری تجارب نسل‌های پیشین و دوباره آزمایشی دانسته‌های رایج و آگاهی‌های موجود، می‌بایست که تفاسیری نغز و بدیع از رویدادها و مفاهیم و پدیده‌های امروزی ارائه داده و به دست‌یازی به پشتوانه‌های تازه و روش‌نگری حوزه‌های تاریک و ابهامات و دگرگون کردن برداشت‌های موجود بپردازند. در حالیکه راستای انباشت دانش و تجارب تاریخی به همراه ورزیدگی‌های فکری و نظری می‌بایست ارزیابی‌ها و جدل‌های علمی را پر بارتر و ژرف‌اندیشانه‌تر نماید، اما متأسفانه برخوردهای سطحی و شعارگونه و در موارد بسیاری صرفا احساساتی و متعصبانه و گذرا به اصول نوع برخوردها بدل گشته و ستیزه‌جویی‌ها و ناچسب‌انگاری‌ها و پرداخت به نسرعیات، در مواردی جایگزین استقادهای پژوهشگرانه از نوشته‌ها و قدر شناختن آنان گردیده است.

تلاش برای کسب حقایق نوین بر بستر ادراکات تحول پذیر از دنیای عمیقاً سپری زای معاصر، همانطور که در چارچوب توانین تکامل جامعه بشری صورت می‌پذیرد، حاوی دستاوردهای البته معینی نیز در جوار میلاد و اعتلا اندیشه‌های واپسگرایانه بوده است. این تلاش‌ها هیچگونه مرز ملی‌ای نمی‌شناسند و بسته به پشتوانه‌های علمی-تاریخی و غنا تجارب و دستاوردها در عرصه‌های مختلف و میزان توانایی کاربست داده‌های جهان معاصر در پراتیک زندگی، از مقیاس پسرفت‌ها و پیشرفت‌های متمایزی برخوردار هستند. عنصر آگاه و دمکرات اندیش‌بایست که از دیدگاه‌های آموزشگرانه به سنجش نکات‌ها و استدلال‌ها پرداخته و باپی جویی مستند دگرگونی‌ها و رویدادهای گوناگون تاریخ ملت و

بند خم مثنی و استراتژی معین در برنامه،
ممواره با مفاهیم نوین و خود ویژه ای هم
همراه بوده اند.

در مقیاس اقلیت های ملی کشورمان،
مجموعه این اصطلاحات در قالب و مختصات
ناسیونالیسم مثبت متمکثر بروز مینماید. هر چند
درک ارائه شده در خصوص این مفهوم را از سوی
جریانات منتسب به اقلیت های ملی، نمی توان
عاری از اشکالات و انحرافات دانست، ولی در
همان ابعاد نیز عناصر مثبت آن مورد تعابیر
خام، و برخی مفرطانه و تحریف شده ای قرار
گرفته است. ویسی اگر بخواهیم این تعابیر را
زیر و باله اندیشیم، همانند آنکه در کشور ما در وقت های
صرفاً تنقی های زبان شناختی، بسیاری از
مقولات و مفاهیم یک زبان به زبان دیگر قابل
ترجمه دقیق نیست، ولی مقتضیات تفحیم و تفهم
بین المللی، درک تطبیقی جوامع و فرهنگ ها، ما
را اغلب ناگزیر می کنند تا برخی از موشکافی
های ادیبانه را نادیده بگیریم. گذشته از این،
اگر کارایی تحلیلی مفهومی چون ناسیونالیسم
را ناچیز بدانیم، کدامیک از مقولات و مفاهیم
اجتماعی فعلی بشر را می توانیم بیابیم که
برای درک و تحلیل پدیده های پیچیده جوامع
امروز کافی باشد؟ هیچ مفهوم و مقوله ای را نمی
توان یافت که درباره معنسی و کار برد آن
مناقشه ای وجود نداشته باشد و بدون این
مقولات و مفاهیم قطعا کار درک و تحلیل دشوار
خواهد بود. از این رو در مقام روشنگری حوزه
های تاریک واژه هایی که در چارچوب ایدئولوژی
ناسیونالیسم طرح میکردند باید که قلم ها را نه
در راستای طرح صرفاً شعارگونه و بی اساس، بلکه
غنا و تکامل آنان با مقتضیات کنونی عصر حاضر
هدایت نمود.

در خصوص پرداختن به این امر، برخی از
نظریه پردازان بیسن مفاهیم ملی و
ناسیونالیسم تمایزی بنیادی قائل اند، ولی
کستره و پیچیدگی مسائل جهان امروز موجبات
توجه در خورشایانی به غنا و ژرفای واژه ملی
گردیده است. با آنکه واژه ملی در زبان محاوره
داشته، ولی با گذشت زمان و بزموس نروپاشی اتحاد شوروی سابق و شکل گیری کشورهای
سیاسی ایران معانسی گوناگونی مستعمل در آن،
نگرشهای ناسیونالیستی بر بسیاری از این معانی
سایه افکن شده است و اگر این واژه در آغاز به
اندازه کافی رساننده بار معنایی جدید خود
نبوده، به تدریج به این معنی دست یافته و در
ذهن ها ریشه دوانیده است.

تا همین چند سال پیش، بخش اصلی منبع تغذیه

مسائل سیاسی نیروهای سیاسی کشور را در نسبت
خود، ایدئولوژی حاکم بر جریانات چپ عبارت
می ساخت و این امر بویژه در سطح فعالین
سیاسی ترکمن نمود بسیار برجسته ای داشت. از
همان نخستین روزهای جنبش ملی-دمکراتیک خلق
ترکمن با جریانات چپ کشور، رسوخ و اشاعه
اندیشه های بنسایادا بیسکانه با تمایلات و
انگیزه های مبارزاتی مردم ترکمن، در پروند
فرهنگی را حاکم گردانید که حاصل آن در
مجموع تربیت نسلی از فعالین سیاسی آشفته ذهن
و شخصیتا متضاد بوده است. براساس آموزش های
این مکتب، مفاهیمی مانند ملی، تمایلات ملی و
وحسدت میلی از همان آغاز محتوای ناسیونالیستی
و در اغلب موارد منفی داشت. به همین دلایل
هنگامی که حزب توده ناسیونالیسم را از آموزه
های ارتجاعی و نسه چندان متفاوت با ناسیسم
دانست، با توجه به نفوذ فکری و فرهنگی این
حزب، کار بر نیروهای سیاسی ترکمنی که کرایش
هایی از اینگونه را کسب نموده بودند دشوار
نسیود که مخالفین فکری خود را حاملین
اندیشه های ناسیونالیستی و با کوردلان
ناسیونالیست ایل گویجی، شماره ۱۱، ۶ و ۱۷
بنامند.

اما اشکال کار این نگرش تنها ناشی از
برداشت های ناموجه از مفاهیمی چون ملی و
ناسیونالیسم نبوده است، بلکه آن گمان
میکند که ناسیونالیسم هم مفهومی کاملاً جا
افتاده است و همیشه بر برداشتی رمانتیک و
برتری جویانه از مردم یک سرزمین علیه مردمان
دیگر استوار بوده است و ذاتاً با پذیرش چند
گانگی فرهنگی و آزادی سازگار است. در
قاموس این نگرش، این مقوله نیز بسان دیگر
مفاهیم سیاسی از بار طبقاتی معین پیروی
مینماید و آن به ناسیونالیسم بورژوایی و
خرده بورژوایی تقسیم میگردد. این تفکر در
بیان استدلال خویش تنها به جنبه ارتجاعی و
برتری طلبانه ناسیونالیسم ملت ستمگر
استناد می ورزد و از پرداختن به محتوای
ناسیونالیسم ملت ستمدیده پرهیز مینماید. در
واقع آن با یکی کردن ناسیونالیسم ملت
ستمگر با ناسیونالیسم ملت ستمدیده، تصور
دهشتناکی را از این واژه ارائه داده و عمداً به
سخنان آموزگار بزرگ خود سنین واقعی نمی نهد که
گفته است امر ناسیونالیسم بورژوایی ملت

چماق «علنیت و دمکراسی» تازه یول»

ت ا د ر

ترکمن و نیروهای آن لازم و ضرورت داشته و دارد.؟ اگر اهداف آنها از درج و نشر اینگونه مطالب آگاهگری نیروهای ترکمن در خارج از کشور باشد اولاً: چرا واقعیات را تحریف می کنند و ثانیاً: اکثریت این نیروها شاهدین عینی وقایع آن دوره بوده اند. بقیه نیز از طرق مختلف از این قضایا مطلع هستند. ولی شاید دوستان تازه یول و آقای شیرلی از این طریق به جایزه نوبل نائل آیند؟

آقای شیرلی با یسدی کشیدن نام شریفترین مبارز جنبش خلق ترکمن درست برخلاف آرمانها و اهداف آن کام گذاشته است. آنچه که بیش از هر چیز دیگر معلوم می باشد آنست که راه بهر روزی و کامیابی خلق ما از کانال اینگونه مطالب نخواهد گذشت و بالعکس تضاد آن دو بر هر نیروی آزاده اندیش عیان و مشخص است.

ممکن است بزعم آنان اطلاعات موجود در این نوشته جعلی سوخته و یا کهنه شده اند.

اگر این دوستان براین باور باشند پس چگونه در نوشتن اسامی واقعی افراد تبعیض قائل شده اند. هر چند که بنظر من ایشان حق نوشتن نام اصلی هیچیک از آنها را در سلسله گزارش خود نداشته و ندارد. از طرفی اینگونه شیوه کار یعنی ارائه یکسری اطلاعات درونی پیرامون مهاجران در ترکمنستان شوروی و در اختیار عموم قرار دادن آن بطور کتبی با کدامین نرم و عرف اخلاق ژورنالیستی تطابق داشته و دارد.؟ اگر درک آنان از علنیت و دمکراسی واقعا این است پس چگونه جناب گزارشگر نام خود را مخفی می نماید.؟

در جایی (شماره ۲۴ ص ۹ پارگراف سوم) برای اینکه نام یکی از دوستان شان مبادا با نام یکی از قهرمانان داستان اشتباه نشود به ذکر نقاط تمایز بارز آنان نموده است تا بدین ترتیب خیال دوستش را راحت کرده باشد. گزارشگر علاوه بر درج اسامی واقعی و تشریح



دستیابی به درک صحیح از تحولات عدیده دوران معاصر خود مقوله ای بس پیچیده، و از طرفی آموزنده است. شرایط فعلی تحولات، آنچنان بستری را ایجاد نمود تا هر گونه عملی تحت عنوان برخورد با گذشته و یا با ادعای پایبندی به علنیت و دمکراسی توانسته برکلیه مسوازین اخلاقی چه در رابطه با مسائل اجتماعی و چه در رابطه با سیاست خط بطلان کشیده، خود را بانی و سردمدار اندیشه نوین جلوه گر سازند.

از هم پاشیدگی و هجوم به تمامی عنصرهای پرنسیب پیشین و تاریکی آینده برای نیروهای فرصت طلب و سودجو آنچنان شرایط مادی و معنوی ایجاد کرده تا بتوانند امسیال و آرزوهای دیرینه خویش، یعنی تحقق عملی روحیه قدرت طلبی و... را با پوشش تواندیش و به اصطلاح با تکیه به مفاهیمی از قبیل "انعطاف پذیری" و "تحول طلبی" توجیه نمایند.

نشریه تازه یول در طول حیات دو ساله خویش نتوانست آنطور که باید و شاید بعنوان یک نشریه سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جایگاهی در میان نیروهای سیاسی ترکمنهای

ایرانی خارج کسب نماید. متأسفانه این نشریه نه تنها نتوانست جایگاهی کسب نماید، بلکه با نشر و چاپ مطالبی از نوع قصه زن ترکمن بقلم سارا (شماره ۸ تازه یول) و سلسله گزارش آقای شیرلی (از شماره ۱۸ - ۲۴) و... روحیه بی اعتمادی نسبت بخود را فزونی بخشیده است.

بر هر خواننده ای این سؤال منطقی پیش می آید که نشر و چاپ اینگونه مطالب کمکی در راستای ادعاهای آنها مبنی بر تبادل نظرات و نبرد اندیشه ها حول مسائل جنبش خلق ترکمن (شماره ۱ ص ۵ تازه یول) میتواند بکند؟ آیا نوشتن اسامی واقعی بعضی از نیروهای مهاجر و وابستگی سیاسی-تشکیلاتی گذشته و حال آنها و یا تفسیر اختلافات شخصی این و یا آن فرد و یا... برای حل کدامین مسئله جنبش خلق

فوق یعنی پافشاری و تکرار آگاهانه خطاها شمره ای جز خیانت بیار نخواهد آورد، که با فرهنگ ما بیگانه است.

در خاتمه امید آن دارم که با یکی شدن نشریه 'تازه یول' و 'ایل گویجی' گردانندگان نشریه 'ایل گویجی' نگذارند دیگر بار اینگونه مطالب و مطالبی که با عرف و اخلاق انسانی مطابقت نداشته باشد در این نشریه چاپ و منتشر گردد.

مقا حیم و دیدگاهها

ستمکش دارای محتوای عمومی دمکراتیک است که علیه ستم جعت گیری نموده است و ما از این محتوی بدون قسید و شرط حمایت میکنیم. (درباره حق تعیین سرنوشت، مجموعه آثار، جلد ۴، ص ۱۴۱۵).

یکی از بدبختی های واژه ملی این است که همان اندازه که اندیشه توده ای از آنان بیزار است، محافظه کاران و گروه های دست راستی به آن دل بستگی نشان داده اند و در تشکیلاتی مانند حزب اراده ملی (سید ضیاء الدین طباطبایی)، نهضت ملی (حسن ارفع)، حزب مسلیون (منوچهر اقبال) و از این قبیل از آن بهره رفته اند. اما با آنکه دست کم در حوزه های فکری و نظری بیشتر ستیزه جویی ها با ناسیونالیسم از دیدگاه چپ صورت گرفته است، صف دشمنان ناسیونالیسم از نویسندگان محافظه کار و دست راستی نیز خالی نبوده است.

اما ناسیونالیسم از ایدئولوژی هایی است که هم با گرایش های چپ و دمکراتیک سازگاری دارد و هم با گرایش های محافظه کارانه و دست راستی. هر فاشیسمی ناسیونالیستی است ولی هر ناسیونالیسمی فاشیستی نیست و بسیاری از پیشروان فکری ناسیونالیسم هوادار تساهل و اعتلا و گرامیداشت چندگانگی فرهنگی بوده اند. ایدئولوژی ناسیونالیسم هم در خود گرایش های واپس گرایانه و دست راستی دارد و هم اندیشه های آزادیخواهانه و پیشرفت جویانه، و چیرگی یک دسته از این گرایش ها بر دیگری، پیش از آنکه ناشی از طبیعت ایدئولوژی ناسیونالیسم باشد، ناشی از اوضاع و احوال تاریخی و شرایط ویژه کشور هاست. بر بستر این درک است که ناسیونالیسم ملت ستمگر در شرایط

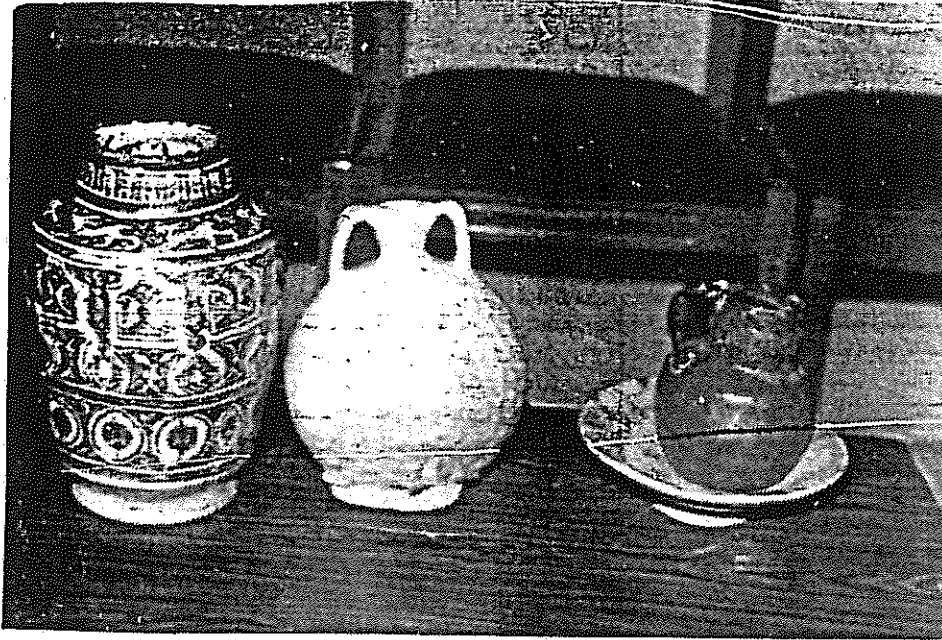
بخشی از حوادث آن دوره از نوشتن گزارش کاذب و جعلی در مورد بعضی از افراد نیز ابایی نداشته است. (نشریه 'تازه یول' شماره ۳۳ و اینگونه گذشت).

سهم نشریات در شکل گیری اینگونه گرایشات ناسالم و چه بسا در رشد آن نقش مهمی را می تواند ایفا نماید. برخورد غیر مسئولانه نشریات در نشر مطالب ناسالم و تحریف یافته خود می تواند عامل زایش و رشد اندیشه منفی و مخرب در سطح جنبش گردد. مستاسفانه گردانندگان نشریه 'تازه یول' بدون درک این الفبای روزنامه نگاری و بدون اندیشه درباره عواقب فاجعه بار درج اینگونه مطالب در نشریات خویش اقدام به چاپ مستمر آن نموده و می نمایند، تا شاید بخواهند بدین ترتیب 'اعتقادات' راسخ خود را نسبت به 'علنیت و دمکراسی' بیشتر نشان داده باشند؟! این دوستان بدون اینکه از جریان چاپ قصه زن ترکمن تجربه ای کسب کنند و بدون آنکه اعتنائی به سیل انتقادات و تذکرات ارسالی به اینگونه شیوه کارشان نمایند، با جسارت هر چه تمامتر به اقدامی ناسالم مبادرت ورزیده اند که بنظر من اینگونه شیوه کار چیزی جز ایجاد شک و تردید در مورد شخصیت سیاسی آنان در اذهان عموم نتیجه دیگری نخواهد داشت.

سؤال دیگری که در رابطه با این دوستان طرح است اینست اینکه اگر اسامی واقعی خود گردانندگان نشریه 'تازه یول' توأم با عملکردهای آنها در طول این مدت و مهاجرت در ترکمنستان و افغانستان قید می شد، آیا باز به نشر و چاپ آن در نشریه شان تن می دادند؟ مجموعه شواهد گذشته در رابطه با قصه زن ترکمن و عدم چاپ انتقادات ارسالی در این مورد در 'تازه یول' بدلیل نسبت داشتن نگارنده آن با گردانندگان نشریه فوق نشان می دهد که اینبار نیز 'علنیت' در فرهنگ آنان مفهوم دیگری دارد. آیا این است تعریف و درک گردانندگان نشریه 'تازه یول' از 'علنیت و دمکراسی'؟

بنظر من چه بهتر می بود گردانندگان نشریه 'تازه یول' بجای چاپ و نشر اینگونه مطالب در نشریه شان، تلاش می نمودند با راهنمایی شیرلی ها؟! برای تحقیق و جستجو پیرامون مسائل اساسی و مهم در رابطه با جنبش خلق مان در جمت اشاعه فرهنگ سالم و سازنده مستمر واقع می گردیدند. عدم گرایش در جعت

ایجاد موزه برای نگهداری اشیاء عتیقه در گنبد ضروری است



نمونه‌ای از اشیاء عتیقه که در منطقه ترکمن صحرا کشف شده است

گنبد - خبرنگار اطلاعات: شهرستان گنبد از یک پیشینه تاریخی بریار برخوردار است و آثار باستانی زیادی در سطح این شهرستان وجود دارد.

از جمله این آثار تاریخی می‌توان به بقعه متبرکه امامزاده - یحیی بن زید و خرابیهای باستانی - جرجانی اشاره کرد. آثار تاریخی دیگری نیز در سطح شهرستان گنبد وجود دارد که آسای آنها عبارتند از: آرامگاه خالدنسی، دانشمند عطاء آق امام، یک پیر، تکبابا و همچنین آرامگاه شاعر - نامی و شهیر ترکمن مختومقلی قزاقی و مقبره قابوس بن وشمگیر. از زمان رژیم گذشته تاکنون مقادیر زیادی اشیاء عتیقه قیمتی در این شهرستان کشف و به سایر شهرها از جمله ساری و گرگان منتقل شده است، در صورتی که اگر در این شهرستان موزه وجود داشت، دیگر ضرورتی برای انتقال اشیاء عتیقه موجود در این شهرستان به سایر مناطق نبود.

باتوجه به اینکه در اغلب شهرهایی کدر آنها آثار باستانی قابل توجه وجود ندارد موزمذایر شده است. جاداراد مسئولان ذیربط نسبت به ایجاد موزه در شهرستان گنبد نیز اقدام کنند تا بتوان اشیاء عتیقه قدیمی این شهرستان را برای بازدید علاتمندان برآن جمع آوری کرد.

۴۹۶ میلیون ریال اعتبار برای اجرای طرح پرواربندی دام عشایر گنبد اختصاص یافت

کشور از نظر اجرای این طرح محسوب می‌شود. وی باتاکیدیر کثرت دام در بین عشایر منطقه گنبد گفت: در صورت تامین اعتبارات مورد نیاز، این اتحادیه آمادگی دارد با امکانات موجود حدود یکصد هزار رأس دام مازاد بر نیاز عشایر منطقه را زیر پوشش طرح پرواربندی قرار دهد. وی گفت: عشایر عضو اتحادیه، آقای مصطفایی مدیر عامل اتحادیه تعاونیهای عشایری مستقر در استان مازندران، در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: طرح پرواربندی دام مازاد بر نیاز عشایر برای اولین بار در میان عشایر مازندران به اجرا گذاشته شد و تاکنون نیز موفقترین استان در سطح کشور است.

آقای مصطفایی خوبی از این طرح بعمل آورده‌اند و این اتحادیه بدلیل کمبود اعتبار، عده محدودی از متقاضیان طرح را می‌تواند زیر پوشش قرار دهد، بطوریکه در سالجاری از حدود ۲۵۰ خانوار متقاضی فقط ۸۰ خانوار زیر پوشش این طرح قرار گرفتند. وی هدف از اجرای این طرح را سنتی بمنظور دستیابی به وضع مطلوب ممکن دانست و افزود: این امر با توجه به اینکه در مناسبترین شرایط سنی برای رشد دام انجام می‌گیرد، بسا موفقیت همراه است.

گنبد - با ۴۹۶ میلیون ریال اعتبار، ۹۴۰۰ رأس از دامهای عشایر منطقه گنبد زیر پوشش طرح پرواربندی قرار گرفت. در این زمینه همچنین ۱۳۰ تن علوفه به ارزش ۱۳۶ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال خریداری شده تا در اختیار عشایر پروار بند قرار گیرد.

آقای مصطفایی مدیر عامل اتحادیه تعاونیهای عشایری مستقر در استان مازندران، در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: طرح پرواربندی دام مازاد بر نیاز عشایر برای اولین بار در میان عشایر مازندران به اجرا گذاشته شد و تاکنون نیز موفقترین استان در سطح کشور است.

یک فیل ماهی به وزن ۳۶۵ کیلوگرم توسط صیادان آشوراده صید شد

بندر ترکمن - خبرنگار اطلاعات: یک فیل ماهی به وزن ۳۶۵ کیلوگرم توسط صیادان شیلات ناحیه ۴ آشوراده بندر ترکمن از آبهای دریای خزر صید شد.

این ماهی ۲ متر طول داشت و از آن مقدار ۶۱ کیلوگرم خاویار درجه یک بدست آمد.

مسابقات سوارکاری کورس پاییزه

بندر ترکمن پایان یافت

بندر ترکمن - خبرنگار اطلاعات: هفته پایانی مسابقات سوارکاری کورس پاییزه بندر ترکمن با شرکت ۶۲ رأس اسب در مسافتهای یک کیلومتر و ۱۶۰۰ متر در مسائز سوارکاری این شهرستان برگزار شد.

همچنین تعداد ۵ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید از سوی علاتمندان این ورزش به مریدان

یک فیل ماهی ۲۴۰ کیلویی در دریای خزر صید شد

بندر ترکمن - خبرنگار اطلاعات: یک فیل ماهی ۲۴۰ کیلویی توسط صیادان آشوراده از دریای خزر صید شد.

به گزارش روابط عمومی شیلات آشوراده بندر ترکمن، صیادان این ناحیه موفق شدند یک فیل ماهی را به وزن ۲۴۰ کیلوگرم از دریای خزر صید کنند.

این گزارش می‌افزاید: از این فیل ماهی مقدار ۲۷ کیلوگرم خاویار درجه یک به دست آمد. طول این ماهی ۲ متر و ۵۶ سانتیمتر بود.

فرهنگ اتنونتیم های ترکمنی

منبع لایزالی بری پژوهش گران تاریخ زبان و گویش ها می باشند.

اهمیت مطالعه اتنونتیم ها برای روشنگری اصل و نسب ترکیب نژادی این یا آن خلق، مشخصات نژادی پیچیده او از مدتها پیش توسط علم مورد اذعان قرار گرفته است. علاوه بر آن، اتنونتیم ها نمی توانند ادراک این یا آن خدا در مناسبات اجتماعی و در مراحل مختلف رشد آنان و عناصر جداگانه نظرات ایدئولوژی بازتاب نداشته باشند. این امر بویژه به خلق هایی مربوط است که راه رشد تاریخی طولانی را از سر گذرانده و توانسته اند تا ایام اخیر بخش مهمی از فرهنگ دیرینه خویش را بموازات غنا یافتن نژادها حفظ نمایند. (آبرامزون، ۱۹۴۶، صفحه ۱۲۳).

اتنونتیم ها بسیاری از جنبه های بحث انگیز فعالیت اقتصادی، و فرهنگی حاملین آنها را توضیح میدهند. و این اطلاعات علمی غنی که در گُنه نامگذاریهای نژادی وارد گردیده اند، در عین حال از ایام قدیم توجه زبان شناسان، نژادشناسان، تاریخدانان و سیاحان را بخود جلب نموده است.

اکثریت خلق های جهان، در مرحله معینی از رشد تاریخی، بصورت منقسم به گروههای

تسبیله ای طایفه ای بسربرده اند. چنین تقسیم بندی در میان ترکمن ها که اقتصاد توأم کشاورزی با دامداری اکستنسو (گسترده) داشته اند، تا انقلاب اکتبر ادامه داشت. چنین تقسیم بندی از ایام قرون وسطی تا انقلاب اکتبر، از جانب محافل حاکمه امیر بخارا، خان خویه و شاهان ایران که آگاهانه و با اهداف مفرضانه بر سر راه اتحاد طوایف ترکمن در یک کل واحد مانع ایجاد میکردند، مورد تشویق قرار میگرفت. آنان بطور صنعتی خصومت مابین طوایف را دامن میزدند. در چنین شرایط دشواری، هر ترکمن در منازعات مابین طوایف و قبایل و دیگر نزاع ها، بدنبال کمک از هم نژاد خود بود.

تقسیم بندی خلق ترکمن به نسلاها، نسلاها به طوایف، طوایف به گروههای کوچکتر و غیره، مسوجی پیدایش اتنونتیم های بیشماری گردید. اطلاعات راجع به اتنونتیم های ترکمن ها (عناوین قبایل و طوایف بزرگ) در عین حال در آثار علمای قرون وسطی نیز چون محمود کاشغری (قرن یازدهم میلادی)، رشید الدین (قرن چهاردهم

میلادی)، ابوالقاسی (قرن هفدهم میلادی) یازجی اوغلی و تاریخدانان درباری خویه، مونس و آکچی و دیگران آورده شده است. در عین حال محققین اروپایی و روس نیز تا قبل از انقلاب اکتبر به مسئله نامگذاری نژادی پرداخته اند. از میان آنها میتوان به ن.ن. موراویف، ک. وامبری ن. آ. آریستف، ل. ز. بوداگف، بوده، و. و. رادلف، م. ن. کالکین و دیگران اشاره نمود. اما مطامع سیستماتیک و برنامه ریزی شده تقسیمات قبیلهدار ای طایفه ای خلق ترکمن، جمع آوری نژادها و تفاسیر علمی آنان، تنها پس از انقلاب اکتبر میسر گردید. در آثار و. و. بارثولف، و. آ. گوردلفسکی، ن. و. بریولوف، و. آ. شاسکولسکی، ک. ای. کارپف، س. پ. تولستف، آ. قاررینف، ک. ن. پسف، آ. آ. روسلیاکف، ک. ای. مارکوف، ک. پ. واسیلیف، یا. ر. ویسینیکف، آ. جیکیف، آ. اورازف، ک. نورمحمداف، س. م. دمیروف، و زبان شناسان و گویش شناسان، آ. پ. پوتسه لویفسکی، ج. آمان ساریف، خ. آ. ماشاکف، خ. باقیراف، م. آتا جانف، س. آرازقلیف، ک. منکلیف، ن. ماویف، ج. خدای بردیف، و بسیاری دیگران، شجره نامه و اطلاعات ریشه شناسی (نیمولوگی) در باره نژادهای ترکمن ها آورده شده است.

ایجاد جمهوری ترکمنستان، شرایط مناسبی را برای اتحاد طوایف و قبایل پراکنده ترکمن فراهم نموده و زمینه های تاریخی، اقتصادی و اجتماعی تجزیه خلق را به گروههای نژادی کوچک از ریشه برچید. در رابطه با این مسئله ضرورت تجزیه مردم به نژاد و یا طایفه مشخص و نامگذاریهای نژادی رو به فراموشی گذاردند. در حال حاضر مشکل است که حتی در میان سالمندان (جوانان که جای خود دارند) کسی را پیدا کرد که اصل و نسب نژاد خود را بداند. در این شرایط، جمع آوری اتنونتیم ها، انتشار و حفظ آنان برای تحقیقات علمی آتی اهمیت اساسی را داراست. زیرا اتنونتیم ها حاوی اطلاعات زیادی در باره اصل و نسب خلق، تاریخ زبان او و غیره میباشد. بهمین جهت پس از ایجاد جمهوری ترکمنستان، علما به امر جمع آوری و ثبت عناوین گروههای کوچک تسبیله ای طایفه ای خلق ترکمن

اخبار و اطلاعاتی در باره

«کنفرانسی عشق آباد»

دستور جلسه دومین کنفرانس ترکمن های جهان *

۱۱) درباره نشان ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش کون دوغدیف، دبیر هماهنگی ((اتحاد)).

شرایط پذیرش عضویت در همبستگی انسانی ترکمنهای جهان، حقوق و وظایف اعضا[#]
شرایط همبستگی برای قبول عضویت

تمامی اتحادیه ها، سازمانهای اجتماعی، گروهها، کارخانجات، ادارات، سازمانها و اشخاص منفرد مترقی موجود در جهان که با کار سیاسی پیوند مستقیم ندارند و اساسنامه همبستگی انسانی ترکمنهای جهان را قبول و اجرا نمایند، و جهت پیشبرد امور انسان پرورانه همبستگی قادر به انجام کمکهای مادی و معنوی باشند، و به برقراری ارتباط با ترکمنهای خارجی علاقمند بوده و در این راستا فعالیت نمایند، میتوانند به عضویت همبستگی انسانی ترکمنهای جهان پذیرفته شوند. برای این امر در خواست کتبی مستقاضیان عضویت و ارائه اساسنامه سازمان مربوطه و اطلاعات مبنی براینکه این سازمان کسی ایجاد گردیده و توسط چه کسی رسمیت یافته است ضروری می باشد. در مورد اشخاص منفرد ارائه در خواست کتبی همراه با بیوگرافی شخص کافی است. مسائل مربوط به پذیرش عضویت، در اجلاس هیئت مدیره همبستگی و یا با کسب رضایت از اعضای آن از طریق نظر خواهی حل میگردد و نتیجه آن ظرف شش ماه کتبا به مستقاضیان اطلاع داده می شود. عضویت جمعی یک گروه در همبستگی مانعی جهت عضویت انفرادی اعضای آن گروه ایجاد نمی نماید. اشخاص منفرد می توانند هم به تنهایی و هم از طریق سازمانهای اولیه ای که برپایه داوطلبی ایجاد گردیده اند به عضویت همبستگی در آیند.

۱) درباره کار و وظایف نسوبتی ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - سخنرانی نیازف، صدر ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)).

۲) ارزیابی از کمیته های ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش روسای کمیته: آسنانپسف، اورازف، نور قلیچ اف، مامیلف، خدای ناظرف.

۳) درباره وارد آوردن تغییرات براساسنامه ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش آی دوغدیف، عضو هیات مدیره.

۴) درباره وارد آوردن تغییرات بر ترکیب هیات مدیره ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش نیازف، صدر ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)).

۵) درباره ایجاد کمیته های نسوبین ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش آی دوغدیف، عضو هیات مدیره.

۶) درباره تمایس ترکمن های دیگر نقاط دنیا برای زندگی در ترکمنستان و پذیرش آنان به تابعیت ترکمنستان و مساعدت بدانان جهت فراهم ساختن شرایط مناسب - گزارش آی دوغدیف، عضو هیات مدیره.

۷) درباره تحصیل کودکان ترکمن های دنیا و ترتیب دادن استراحت آنان در ترکمنستان - گزارش آی مآدق، عضو هیات مدیره.

۸) درباره کار و وظایف روزنامه ((تورکمن سه سی)) و رادیو و تلویزیون - گزارش آقابایف، عضو هیات مدیره و سر دبیر روزنامه ((تورکمن سه سی)).

۹) تصویب ارسال پیام به رؤسای دولت ها و پارلمان ها - گزارش پایپف، معاون صدر ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)).

۱۰) پذیرش به عضویت ((اتحاد انسانی ترکمن های جهان)) - گزارش کون دوغدیف، دبیر هماهنگی ((اتحاد)).



حقوق اعضاء همبستگی

- تلاش در جهت حراست از زبان، فرهنگ، آداب و سنن، هنر، ادبیات، یادگارهای تاریخی ملت ترکمن، میباشد.

جهت استعفاء از عضویت در همبستگی تقاضای کتبی عضو مربوطه کافی می باشد.

در حالتیکه سازمان عضو فعالسیتهای خود را تعطیل کرده باشد نیز از صفوف همبستگی اخراج میگردد و این امر با فرار هیئت مدیره همبستگی و یا با کسب موافقت اعضای آن از طریق نظر خواهی رسمیت می یابد.

اعضای همبستگی حق:

- اخذ اطلاعات در مورد چگونگی اوضاع مالی، تشکیلاتی، برنامه های زمان بندی شده کاری همبستگی و ارگانهای رهبری آن.
- شرکت در تصمیم گیریهای کوناگون همبستگی شخصا و یا از طریق اعزام نماینده - گانشان به آن.
- دریافت کمکهای مادی و معنوی از همبستگی با توجه به امکانات، انجام کمک مادی به همبستگی.

- طرح مسائل مختلف مورد علاقه خویش در کنفرانسهای همبستگی و نشست های هیئت مدیره آن.
- ارائه پیشنهادات خویش در رابطه با بهتر شدن کار همبستگی و ارگانهای محلی
- تشکیل هیئت های اعزامی جهت تحقیق و آموزش زندگی، تاریخ، فرهنگ، زبان، ادبیات، خلاقیت های ملی، یادگارهای تاریخی ملت ترکمن از محل امکانات خویش.
- کاندیدا شدن و یا پیشنهاد کاندیدا در انتخابات مربوط به ارگانها و مسئولیت های رهبری.
- تبادل نظر جمعی و انتقاد آزادانه در مورد امور همبستگی، اظهار نظر صریح قبیله و یا جمعی مربوط و دفاع از نظر خویش. در صورت داشتن نظر مخالف با تراتری که تصویب بعد از تصویب گردیده است. پیشنهاد نظر خود در ارگانهای بالاتر حتی در کنفرانس همبستگی جهت بحث، تبادل نظر و اتخاذ تصمیم در رابطه با آن، را دارند.

وظایف اعضای همبستگی

- اعضای همبستگی موظف به:
- اجراء اساسنامه همبستگی
- شرکت فعال در پیشبرد کارهای همبستگی
- اجراء قرارهای ارگانهای رهبری
- آشنا نمودن ارگانها محلی با برنامه کاری سالانه خویش
- پاسخگویی در برابر همبستگی در مورد امکانات مادی- مالی سازمان و یا همبستگی در رابطه با کارهائیکه در طول سال انجام داده است.
- تبادل اطلاعات با ترکمنهای محل فعالیت خویش در مورد زندگی، تاریخ، ادبیات، خلاقیت های ملی، یادگارهای تاریخی.

فرهنگ اتنوتیم های ترکمنی

کنونی توجه لازم داده نشده است. این مسئله مهم از دید دانشمندان زبان شناسی و نژاد شناسی بدور مانده است، که در نتیجه بسیاری از اتنوتیم های ترکمن ها در میان منابع بی شمار که گاه دسترسی به اکثریت آنان ناممکن شده و کاری علمی بر روی آن صورت نپذیرفته، پخش و پلا شده اند. با توجه به بیانات فوق، بر ضرورت انتشار فرهنگی از اتنوتیم های ترکمن ها شکی بر جای نمی ماند.

مطالب فرهنگ ما عمدتا از منابع چاپ شده تاریخی، زبان شناسی، جغرافیایی و دیگر منابع اخذ گردیده که اکثرا در آن وضع موجود تقسیمات قبیلله ای ظایفه ای خلق ترکمن در قرن ۱۹ میلادی و آغاز قرن بیست بازتاب یافته است. علاوه بر آن ما از برخی آثار دست نویس که در بنیاد آثار دست نویس اتنوتیو زبان و ادبیات بنام مآختمقلی و کتاب خانه علمی مرکزی. آکادمی علوم ترکمنستان شوروی نگه داری میشوند استفاده کردیم. در عین حال ما در تعبیه این فرهنگ از مطالبی نیز بهره گرفتیم که آنان را در هنگام تحقیقات عبیده توپوگرافیک (۲) و گویش شناسی و ماموریت های خود به مناطق مختلف جمهوری و هم چنین خارج از آن بدست آوردیم. در نتیجه این کارها، ما موفق شدیم به عناوین تحریف شده شکل ملی بخشیده و آنان را درست بنویسیم، که این امر برای تجزیه و تحلیل اتنوتیم ها از نقطه نظر زبان شناسی بسیار مهم و ضروری است.

ایل گویجی بصورت دنباله دار منتشر می کند:

س - آتانیازف

فرهنگ اتنونییم های

ترکمنی (آ - ی)

ترجمه از : الف - ایلی



توضیح: مطلب زیر ترجمه کتابی است تحت همین عنوان به تالیف سلطان آتانیازف، کارمند علمی آکادمی علوم جمهوری ترکمنستان که از این شماره بطور سلسله وار در نشریه خواهد آمد.

کتاب فوق که در واقع یک فرهنگ تفسیری است، ۲۴۰۰ واژه از تیره ها و طوایف مختلف ترکمن را در خود شامل گردانیده و می تواند برای کلیه علاقمندان به تاریخ گذشته ملت ترکمن و بویژه پژوهشگران و جامعه شناسان مفید باشد.

اتنونییم ها^(۱) یکی از بخش های اساسی واژه تاریخی زبان هستند. در اثر داشتن صفت خلاق اتنونییم ها که با گذشت صد ها سال تا زمان ما رسیده اند، بسیاری از اجزاء لغوی، ویژگی های صداشناسی، صرف شناسی و نحوی در شکل لایتغیری حفظ گردیده اند. از این رو اتنونییم ها، همچون نقشه برداری اماکن سکونت مردم و نوادشناسی - بقیه در صفحه ۸

خاط گه ره ك

اوقو گه ره ك

مكتب گ ره ك

تورکمنچه

فرهنگ اتنوتونیم های ترکمنی

از میان منابع ذکر شده بالا، ما حدود ۴۰۰۰ واژه را اخذ نمودیم. از این میان ما تنها بیست از نیمی (۲۳۰۰) از آنان را در فرهنگ خود وارد نمودیم. ما از میان آنان، آن عناوینی را حذف کردیم که اولاً، بشدت از سوی عناوین گویش شناسی منابع روسی مورد تحرید قرار گرفته و نا درست نوشته شده بودند، ثانیاً، عناوین رد شده ای که از کلمات و بیانات سانسور نشده و خشن اخذ گردیده بودند، ثالثاً، ما ضرورتی ندیدیم که از برخی آتسنروپواتنونیم ها (۳) که موارد استثنایی بودند در فرهنگ استفاده کنیم. فرهنگ فوق از سوی ما بمنشابه یک فرهنگ تفسیری در نظر گرفته شده است. در آن ریشه ها و یا مفهوم معنوی عناوین نژادی آورده شده است. برای این امر ما از واژه نامه های ریشه شناسی، دایرة المعارف، لغت شناسی، توپوگرافیک و دیگر واژه نامه ها استفاده کردیم. در امر استفاده از این واژه نامه ها، همه مفاهیم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته کلمات را بکار نرفتیم، بلکه آن مفاهیمی را مورد استفاده قرار دادیم که برای روشن ساختن مفهوم اتنوتونیم مدنظر، بیشتر مناسب بود.

همانطور که پیداست، بسیاری از اتنوتونیم ها قدمت صد ساله و حتی هزار ساله ای دارند، و برای همین ریشه برخی از آنان در طی قرن ها از بین رفته است. مشخص کردن آنان بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن است. در فرهنگ فوق ما آنها را وارد کردیم، ولی از تفهیم و یا علامت گذاری آنان پرهیز نمودیم. این امر بدان علت صورت پذیرفت که روی آنان کار علمی صورت گرفته و توجه پژوهشگران بدان، برای تحقیقات آتی جلب گردد.

ریشه یابی و یا تفسیر اهمیت این یا آن اتنوتونیم - کاملاً تفاوت ذهنی مولف میباشد (اگر منبع قابل استنادی از مطبوعات و مقالات وجود نداشته باشد). ما بر این باور نیستیم که توانسته ایم ریشه های قدیمی همه اتنوتونیم هایی را که در فرهنگ فوق آورده ایم، مشخص نمائیم. در مواردی که میزان مشاهدات مقدماتی روی مسئله مذکور امکان نتیجه گیری درست را ممکن نمیساخت، در فرهنگ فوق بصورت فرضیاتی آورده شده که می توانست رد شوند، تغییر یابند و با از سوی محققین بعدی تکمیل گردند.

مناطق اسکان گروههای قبیلنه ای - طایفه ای ترکمن ها در ادبیات نژادشناسی و کویش شناسی آورده شده است. از این رو ما ضرورتی بر تکرار آنان در فرهنگ فوق ندیدیم.

و اما چند نکته هم درباره اصطلاحات، همانطور که پیداست، طوایف ترکمن شجره نامه پیچیده ای را دارند. طوایف بزرگ به ۲-۳ و گاهی تا ۵ شاخه تقسیم می کردند. بد عنوان نمونه طایفه تکه به اوتامش و توغنامش، طایفه آرساری به اولوده به، کوئش، غارا و به که وول، طایفه یموت به بایرامشالی، آتاپای و جافاریای، طایفه یمره لی

به داغلی و غوملسی، طایفه سالتیر به آقمان، غارامان، کیچی آقا، و یالاواچ، طایفه آللیلی به یوزباشی و اون بگی و غیره تقسیم می کردند. به نوبه خود گروههای کوچکتر به طوایف کوچکتر دیگر تقسیم می شوند. تعداد شاخک های طوایف گاهی تا یازده میرسد. (بطور مثال طایفه آتا). ترتیب جایجایی این شاخک ها چه در نزد گزارشگران و چه در آثار نشر یافته یکسان نیستند. و عناوین و اصطلاحات هر یک از این شاخک ها از بالا تا پایین حتی بیش از آن در هم بر هم می باشند. بطور مثال، طایفه، طایفه در میان مردم برای درک آن از اصطلاحات: ایل، حلق، طایپا، و برای طایفه، نسل، قبیله، اوروغ - از اصطلاحات اوروغ، طایپا، تیره و غیره استفاده می کنند. برای شاخه های کوچک اصطلاحات زیر مورد استعمال قرار می گیرند: شیر، اویا، قوم، بیراتا (در میان سالتیرها)، غان دوشه ر (در میان سارمق ها)، توپار (در میان آتا، یموت)، لاقام، کوده، دسده (در میان آرساری)، بولسوی (درماری)، آرتش (ترکمن های آستراخان)، داخه (بوجاقلی)، توخوم، ماشالا و شبیه بدانها.

ما در فرهنگ فوق برای شاخه های بزرگ مستقل خلیق ترکمن، چون تکه، یموت، آرساری، غاراداشلی، یمره لی، آللیلی، سالتیر، سارمق، اولام، موکری، خاتاپ، چوودور، گوکلنگ و غیره از اصطلاح طایفه (طایپا)، برای شاخه های منشعب بزرگ آنان از اصطلاح شاخه (بولسوم) و برای منشعبین آنان از اصطلاح نسل (اوروغ) و برای بقیه شاخه های کوچکتر از اصطلاح عمومی تیره استفاده نمودیم.

بایسد خاطر نشان سازیم که کار برد اصطلاحات

دو ایاتی در باره گل باغشی

بود، حتی مادرش هم نمیدانست که بعدها چگونه در گوشه ای از ساز و موسیقی خلق ترکمن جای گرفته و از استادان نامی آن خواهد کردید. *

در اثنای صبحگاهی، از شمال کۆک تپه کسی سوار بر الاغ در صحرا نمایان میگردد. جوانی با سیمائی کشیده و سبیلی بر لب قلعه کۆک تپه شتابان پیش میرود. آرقاچ غالدی، آینام هوو، مقام نازه ای از ترانه آینا چند روزی بود که آرام و قرار را از الله بردی گرفته بود. سازنده جوان برای فراگیری این آهنگ نزد استاد خود میرفت. کۆنه بک شاگرد خود را با خوشی استقبال کرده و برای پذیرائی از وی گوسفندی را قربانی نمود. اما این پذیرائی آن چیزی نبود که شاگرد را بدان جا کشانده باشد. او بی صبرانه انتظار صدای دوتاری را می کشید که بر دیوار اتاق آویزان بود. بعد از اتمام پذیرائی نوبت به آهنگ و موسیقی میرسد. کۆنه بک با شاگرد خود درس موسیقی را آغاز میکند. استاد و شاگرد نواختن مقامهایی را که سابق آموخته اند، آغاز می کنند. الله بردی با وجود همه دشواریها، از استاد خود باز نمیماند. انگشتان جوان الله بردی هنوز نرم و سریع نشده اند، اما او بدون جا انداختن هیچ پرده ای انگشتان استاد خود را که بر روی دوتار در حال نواختن بود دنبال میکند. تیز ذهنی و سرعت انگشتان شاگرد، استاد را به تحسین و امیدارد. آخر سر در میان این همه فرار و دنبال کردنها، فرصتی پیش می آید که لحظه ای استراحت نمایند. الله بردی فرصت را مفتنم شمرده و همانجا نیت قلبی خود را با استاد در میان میگذارد. استاد این آینا اصلا سرا بحال خودم نمیگذارد. ممکن است یکی دو بار دیگر آنرا برایم بنوازید؟ الله بردی، ده بار هم بخواهی برات خواهم نواخت، اگر بخواهی

با شنیدن جمله نزل باشها (اطلاق به قشون ایرانیان که مسیر به کلاهای قرمز بودند به منطقه آخال، اهالی روستای ائزقانت بلافاصله به جمع آوری چادرهای خود مشغول میشوند. هر آنکس که دارای اسب و شتری بود، وسایل کوچک و بزرگ زندگی اش را بدون برجای گذاردن چیزی بیار می بندد. اما فقرا و کسانی که تنها صاحب الاغ و یا شتری بودند، فقط به وسایل ضروری زندگی خود نماند کرده و از مابقی دارائی فقیرانه خود دست می شویند. همه بسمت صحرائی قره قوم حرکت در می آیند. اضطراب این کاروان غم زده را فرا میگیرد. آه و فغان از این همه خانه بدوشی تمامی ندارد.

نانسه و افسوس زنان و دختران ترکمن از جمع کردن قالی های نفیسی که با انگشتان ظریف و هنرمند خویش، زندگی قبیله ای و ملی خود را بر آنان نقش کرده بودند،

جدائی از دیار محربان و گریه و زاری کودکان از خواب برخاسته، صدای شترهایی که از کشیده شدن افسارشان بینی آنها در حال پاره شدن است، همه اینها بصورت غوغائی بزرگ به جلو، به پیش و به جایی که در آن صلح باشد، در حرکتند.

در انتهای کاروان، گسروچی از زنان شتری مزین به قالی منقش به قلب را به آهستگی و با احتیاط به جلو میبرانند. بر روی آن زنی پریشان حال، زجر می کشد. شتر نیز که گویا فهمیده باشد چه کسی را بر پشت دارد، پاهای خود را آهسته و نرم بلند کرده و به جلو گام بر میدارد.

پس از گذشت مدت زمان کوتاهی، شتر بر روی زانو نشسته و زنان، زن باردار را بر روی شن پیاده کرده و بلافاصله دور و بر او را میگیرند. پس از مدت زمان کمی در همان جای خشک و صحرائی، انسانی بدنی می آید. از سرنوشت این نوزاد که بر روی شن های داغ قره قوم در حال گریه

ایلیم گونئم بولماسا ، ایئم گونئم دو غماسئن

پسر عمویم چیزی پیش نیامده باشد. آخر او برای چیزهای کوچک چنین پیغامی نمی فرستد. از ده اسبی را بعاریت گرفته بلافاصله عازم تاجن میگردد و در آنحال نیز دوست همراه خود دوتار را از یاد نمی برد.

الله بردی با اسب خسته خویش که دور دهان آن را حباب سفیدی پوشانده بود به تاجن میرسد. عوف آقا که به پیشواز او آمده بود، نگرانی چهره الله بردی را مشاهده نموده ولسی به روی خود نمی آورد و با خاطری آسوده خوش آمد گفته و شروع به احوالپرسی مینماید و آخر سر خوب، خوشحالم که صحیح و سالم رسیدی گفته و سخن خود را به پایان میرساند. ولی الله بردی در حالتی از خشم و نگرانی انتظار می کشید و هر آن منتظر بود که پسر عمویش جریان را برایش توضیح دهد. آخر سر طاقت نیاورده گفت مرا تنها برای احوالپرسی و خوش و بش کردن اینجا فراخواندی، پس انتظار چه چیزی را داشتی، فکر کردی پسر عمویت ترا برای گرفتن انتقام اینجا صدا کرده؟ جوان خسته از راه دور و دراز، اصلا حال شوخی را نداشت و از حرفهای پسر عمویش که جایی برای نگرانی نیست. پس از صرف چای و نهار و رفع خستگی، عوف آقا دوتار را در آورده و در همانحال که مشغول تنظیم صدای دوتار بود جریان را برای الله بردی شرح داد. من در اینجا با سازنده زبردست و ماهری که در تاجن، ماری و سرخس معروف است آشنا شدم و تو نمیدانی او ساز دلنواز و خوش آهنگ، یابندی باغرم را به چه شکل و حالتی می نوازد.

من بلافاصله آنرا یاد گرفتم و تو را هم برای این به اینجا صدا کردم که این ساز را با همان نازگی اش به کنجینه هنر خودت بیفزائی.

الله بردی این دعوت عوف آقا را زیاد هم بی نتیجه ندانست. الله بردی: عوف آقا،

از این استاد ماهر فقط همین یک ساز را یاد گرفتی؟ ویا اینکه... ای الله بردی، همین ساز تنها به اندازه چند ساز می ارزد و گوش کن تا برایت بنوازم. عوف آقا یابندی باغرم را به دوشیوه مختلف نواخت. نوای مقام دوم مورد پسند الله بردی قرار گرفت. او رنج و زحمت عوف آقا را مدر نداده و آهنگ فوقی را به آسانی شروع به نواختن کرد. وی آن را به سبک ماری و پرده به پرده تکرار کرده و رضایت خاطر عوف آقا را بدست آورد. سپس او جریان ساز

استاد زبردستی شوی، هرگز سازهایی را که یاد میگیری ناقص رها نکن.

بار اول آینا را تنها گؤنه بک نواخت. الله بردی نیز پرده هائی را که گونه بک بر آن بازی میکرد، یکی، یکی میشمرد. در بعضی قسمتهای آن انگشتان او بی اختیار بر دسته دوتار بحرکت در می آمدند. سپس استاد و شاگرد با هم شروع به نواختن کردند. دستهای آنان و پرده هائی را که بر روی آن مینواختند، انکار که هیچ تفاوتی نمی کرد.

برای کسی که گوش میکرد، صدای دوتارها همانند اینکه از یک دوتار نواخته شود، شنیده میشد. اما نقص و لغزش انگشتان شاگرد در یک قسمت آهنگ از نگاه تیز استاد پنهان نماند. الله بردی آن قسمت مقام را چندین بار ^{برای} استاد خود نواخت. اما نتوانست استاد خود را راضی کند گؤنه بک با تبسم طعنه ای به شاگرد زد ولی از حالت وی فهمید که حرف بی جایی زده است و با ملایم کردن لحن سخنانش گفت: نه، نه دلگیر نشو، الله بردی منظورم این است که آن قسمت و تکه مقام را با جفت انگشت بگیری و بنوازی. او کمی سکوت کرده و با حالتی جدی ادامه داد. چشمان خلیفه ات تنها به تو دوخته شده. آن قسمت کوچک آینا را که نواختی دقیق نیست و باید آنرا بیشتر بنوازی. گؤنه بک هر چند که بملایمت با شاگرد خود سخن گفت اما نتوانست دل آزرده شاگرد خود را بدست آورد و الله بردی اینبار با خشم از نزد استاد خود رفت اما در عین حال خود را تبرئه نکرده و پیش خود انتقاد استاد را پذیرفت.

اصل و نسب الله بردیها، همگی اهل ساز و موسیقی و نوازنده بودند. پدرش آبی دوغدی آقا مسیباست استاد بزرگی میشد اما وضعیت زندگی این امکان را به وی نداد که به این کار بطور دائم و پیگیرانه بپردازد. پسر عموی بزرگ الله بردی عوف اوغری نیز با استنادانی چون گؤنه بک تقریباً همطراز بود. افسوس که او هم در حال شکفتن هنر خود بناگهان بر اثر زخمی که بر انگشتانش پدید می آید از نواختن دوتا باز میماند.

روزی الله بردی پیغامی نوری دریافت میبکند. پسر عموی بزرگ او که به تاجن بخرید رفته بود، بوی پیغام میفرستد که اگر آب در دست داری بگذار و بیا. این خبر نوازنده جوان را نگران میسازد. ای خدا، کاش برای

جوان را نشناختیم وانه؟ کۆنه بک به جوان که سرش پائین بود نظری افکند و گفت: اگر تا تمام شدن یک قوری چای صبر میکردی خودش را به شما می شناساند که چوپا^۱ دهی را می جود، ولی عجله کردی... و با یک غرور و افتخار دنبال صحبت خود را گرفته و گفت: در آینده ممکن است که برای همه شماها نمونه خوبی باشد و آنوقت دیگر شاید شما هم دیگر جای کۆنه بک را خالی احساس نکنید... او جمله آخر خود را با ظنین غمگینی ادا کرد. سپس به متکا تکیه داده و دوتارش را به شاگردش داد. الله بردی جان کمی باردل خلیفه ات را سبک کن. بانثر باخشی هم برای اینکه انگشتان الله بردی را خوب تماشا کنند، نزدیکتر آمده و با میل و رغبت چشمان خود را بدان دوخت.

حرفهای پر مهر خلیفه دل الله بردی را شاد کرد و قلب نا آرام او را تسکین بخشید. عین اینکه نوزاد تازه به دنیا آمده ای را به آغوش گرفته باشد، دوتار را با ملایمت و با احتیاط به آغوش خود فشرده، دستی به آن کشید و به نوازش آن پرداخت. پس از آن آستین راست عبای نمرز خود را بالا زده و بر روی متکا خود راجابجا نمود. بعد همانند موجی که بخواد به ساحل هجوم آورد، بگوشه ای از دنیای آهنک و موسیقی مه آلود وارد گشته و بحرکت در آمد. او چنین وانمود میکرد که هیچ رنجی را متحمل نمیشود. اما عرق بدن او که از پیشانیش بر روی دوتار قطره قطره می چکید، عذابی را که او برای هر مقامی می کشید آشکار میساخت. صحرای نمره قوم از آوای دوتار به وجد آمد و تمام پیسکر آن سبک بال بهمراه دوتار بحرکت در می آمد. تماشاچیان از ته دل نوازنده جوان را تشویق می کردند.

الله بردی لحظه به لحظه در میان مقامهای پیچیده فرو میرفت. توجه و احساس تمام این مجلس را دستان سازنده جوان که بر روی دسته دوتار می نواخت جذب می کرد. در این کلبه فقیرانه ترکمن در میان مجلس دوستداران ساز دوتار بود که کلم خود را برآورد. الله بردی نواختن تمام تنها^۲ یانندی باغرثم را که در تجمن یاد گرفته بود برای مجلس آغاز کرد. در میان دستان هنرمند و سریع الله بردی هنگامیکه پرده های حالته غمگین و نا آرامی تکان می خوردند. تیغ برنده آواز یانندی باغرثم قلبهای غمگین را پاره پاره میکرد.

ادامه دارد

آینا را که نزد استاد کۆنه بک فراگرفته بود و طعنه او را که سبب رنجش خاطر او گردیده بود بازگو کرد. عوض آقا سازی را که الله بردی نواخت خواست یکبار دیگر بشنود. پس از آنکه وی ساز را دوباره شنید، دوتار را از دست الله بردی ربوده گفت: استادت هنوز بملایت با تو برخورد کرده اگر من جای او بودم ترا خوب تنبیه میکردم. راه آسانی برای نواختن پیدا کردی. آنوقت انتظار داری حرفهای دلگیر کننده هم نشنوی. اون تکه آینا را اینطور باید نواخت. عوض آقا عین ساز کۆنه بک را تکرار کرد. انگار که در برابر دیدگان الله بردی استادش به او چشم دوخته باشد. الله بردی از شرم سرخ شد و یقین پیدا کرد که آهنکی را که نواخته سطحی و چندان دقیق نبوده است. کینه های خود را نسبت به استادش از باد برد و دوپسر عموها خرسند از یکدیگر تا پاسی از نیمه شب به نواختن ساز مشغول شدند و تحسین کسانی را که برای شنیدن ساز آنان آمده بودند برانگیختند.

الله بردی بهنگام بازگشت به روستای که به له که در مسیر شمال عشق آباد و در میان صحرا واقع بود، متوجه شد که در این روستا یکی از صحرانشینان جشن دامادی پسرش را برگزار میکند. استاد کۆنه بک را هم به مجلس عروسی دعوت کرده بودند. بهمراه استاد بانثر باخشی هم آمده بود.

در طول راه ناگهان آوای آشنای دوتاری بگوش الله بردی خورد. از نحوه آواز و نواختن دوتار بلافاصله استاد خود را شناخت. در قلب الله بردی غوغایی بهپا شد. پاهایش با سنگینی بحرکت در آمد. او رفتن خود را به مجلسی که استادش در آن مینواخت درست نمی دانست و خواست راه خود را بکشد و برود. در عین حال برای باز گشتن هم بهانه مناسبی پیدا نکرده و بالاجبار وارد جشن گردید. سلام داده وارد مجلس گردید و با همه یکایک به احوالپرسی پرداخت. دیدگان استاد از دیدن شاگرد باز شد. با او با دو دست سلام و احوالپرسی کنید، جوان شایسته ای است گفته و برای او در نزد خود جا باز کرد و به گرمی با او به سلام و احوالپرسی پرداخت. بانثر باخشی هر چند که این جوان را نمی شناخت ولی از روی قدر و احترامی که کۆنه بک برای او قائل بود نصیحت کرد فرد هنرمندی است. خلیفه، ما این

فرهنگ اتنونیم های ترکمنی

فوق کاملاً مشروط می باشند. مسئله در آن نیست که این اصطلاحات در منابع مختلف با اصطلاحات مختلف مشخص می شوند، بلکه در آن است که در نقاطی از ترکمنستان یک اصطلاح در ردیف طوایف بزرگی جای دارد و همان اصطلاح در نقطه ای دیگر در ردیف شاخه ای از یک طایفه و در نقطه سوم در ردیف نسل و یا تیره بکار گرفته می شود. بطور مثال، اصطلاح ایگدر از طوایف بزرگ قرون وسطی ترکمن بشمار می رود. این درک در میان ترکمن های آستراخان، استاوروپولسک و کراسنووودسک وجود دارد. اما در میان ترکمن های داش حاض و واحه خوارزم و هم چنین در میان قاراقلباق ها، اصطلاح ایگدر مدتهاست که از شاخه های طایفه چوودور بشمار می آید.

مثال دیگر، نمایندگان طایفه خوجا و شیخ که با دیگر طوایف و قبایل قاطعی شده اند، در بسیاری از نقاط ترکمنستان وجود دارند. آنطور که پیداست آنان هیچگاه یک طایفه کامل نبودند، با این وجود ما در فرهنگ فوق از آنان به عنوان طایفه نام می بریم.

در فرهنگ فوق، نگارش ترکمنی اتنونیم ها به عنوان لغات فهرستی آورده شده است. این امر بسیار حائز اهمیت است، زیرا همانطور که یاد آوری نمودیم، برای تجزیه و تحلیل اتنونیم ها براساس اصول زبان شناسی و مشخص کردن ریشه آنان، درستی تلفظ و خط ملی اهمیت زیادی را داراست. درست بحمین خاطر در آثاری که بزبان روسی نشر گردیده اند، ب خط ملی ارجحیت قائل می شوند.

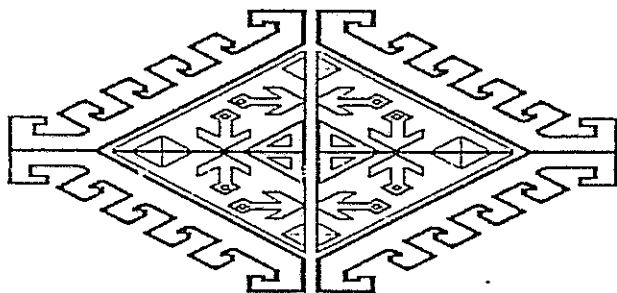
در امر تهیه فرهنگ فوق علاوه بر منابع یاد شده، از کمک دانشمندان و همکاران علمی

استفاده نمودیم. با این وجود ما بر آن نیستیم که فرهنگ فوق عاری از کمی و کاستی است. این فرهنگ طبیعتاً همه اتنونیم های ترکمن ها را در بر نمیگیرد، زیرا آن براساس آثار چاپ شده و کارهای تحقیقاتی تنظیم گردیده و در آثار مردم شناسی و گویش شناسی، نژاد محلی کاملاً در بر گرفته نشده و هنوز هم در همه روستاها تحقیقات مردم شناسی کاملی صورت نسررفته است. مولف با سپاسگزاری، همه تذکرات و پیشنهادات را برای تکمیل و بهبود مضمون و کیفیت فرهنگ فوق پذیرا می گردد.

سلطان آتاتئیازف

زیر نویس ها :

- ۱- اتنونیم ها - عناوین خلق ها، طوایف، نسل ها و شاخه های مختلف آنان
- ۲- توپوگرافیک - نقشه برداری - علمی که به امر ثبت محل های سکونت مردم می پردازد.
- ۳- آنستروپو اتنونیم - به معنی گذاردن نام فردی بر روی یک طایفه یا تیره و غیره است، مثل آدی بای.



آدرس ایل گویچی

سوئد

آلمان

BOX 217
440 06 GRÅBO
SWEDEN

POST LAGER KARTE
NR. 127492 C
4800 BIELEFELD
GERMANY

- ایل گویچی ب هیچ گروه، حزب و با دست خاصه وابسته نیست و تلاش مینماید خوانندگان خود را با مسائل مربوط به مردم ترکمن آشنا سازد.

- ایل گویچی در ویرایش و اصلاح مطالب و نوشته ها آزاد است. مسئولیت مربوط به شکل و مضمون مطالب مندرج در نشریه بد عهده نویسندگان آن است.